

مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز، مقاله‌ی علمی-پژوهشی
سال چهاردهم، شماره‌ی اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲ (پیاپی ۲۷)، صص ۱۶۲-۱۲۷
DOI: 10.22099/JCLS.2022.43001.1916

بررسی کیفیت و میزان طرح مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
(در بازه زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۵)

سمیه رضایی*

منصور نیک پناه**

چکیده

مهارت‌های ده‌گانه زندگی، مهارت‌هایی هستند که یک انسان اجتماعی باید تا حد مقبولی این مهارت‌ها را کسب کرده باشد. اگر این مهارت‌ها از کودکی به‌درستی به فرد آموزش داده شود، وی در دوران بزرگسالی می‌تواند رفتار سازگارانه‌ای با دیگران و دنیای پیرامون خود داشته باشد. یکی از ابزارهایی که می‌توان به‌کمک آن، مهارت‌های زندگی را به کودکان آموخت و در آن‌ها نهادینه کرد، آموزش مهارت‌های زندگی به کمک کتاب کودک است. کتاب‌های کودکان، به‌خصوص کتاب‌های داستانی، ابزاری توانمند برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان مخاطب هستند. هدف از انجام این پژوهش بررسی چندوچون طرح مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده کودکان و پاسخ به این پرسش است: مهارت‌های زندگی در کتاب‌های محبوب کودکان به چه میزان وجود دارد و هر مهارت، چگونه در داستان طرح شده است؟ گردآوری اطلاعات در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل محتوای

* استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان s.rezaee@cfu.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی مجتمع آموزش عالی سراوان m.nikpanah@saravan.ac.ir

کیفی کمی انجام شده است. پس از استخراج عناوین کتاب‌های پرخواننده، به تحلیل آثار طبق مهارت‌های زندگی پرداخته شد و در نهایت، فراوانی مؤلفه‌ها در کتاب‌ها به دست آمد و سپس با یکدیگر مقایسه شد. پس از بررسی انجام‌شده این نتیجه به دست آمد که همه‌ی مهارت‌ها در کتاب‌های پرخواننده کانون پرورش فکری (تألیف و ترجمه) مطرح شده است. مهارت تفکر انتقادی و مهارت‌های ارتباطی بیشترین بسامد و خودآگاهی، کنترل هیجانات منفی و تفکر خلاق کمترین بسامد را دارند. بیشتر کتاب‌هایی که مهارت تفکر انتقادی در آن‌ها مطرح شده است، به کودک می‌آموزند که بدون تحقیق و دانستن جوانب موضوع درباره‌ی آن اظهار نظر نکنند.

واژه‌های کلیدی: تفکر انتقادی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زندگی.

۱. مقدمه

سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۹۳ به منظور ارتقای سطح بهداشت روانی و پیش‌گیری از آسیب‌های روانی اجتماعی، برنامه‌ی جامع «مهارت‌های زندگی» را وضع کرد و کشورهای بسیاری نیز از این برنامه استقبال شایان توجهی کردند. «اصطلاح مهارت‌های زندگی به گستره‌ای از مهارت‌های روانی اجتماعی و بین‌فردی گفته می‌شود که به افراد کمک می‌کند، با اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه، به‌طور مؤثر ارتباط برقرار کنند، مهارت‌های مقابله‌ای و مدیریت خود را گسترش دهند و زندگی سالم و باروری داشته باشند. هم‌چنین اعمال شخصی، اعمال مربوط به دیگران و نیز اعمال مربوط به محیط اطراف را طوری هدایت کنند که به سلامت بیشتر منجر شود» (Unicef, 2033: 82)

روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بر این باورند که یکی از مؤثرترین برنامه‌هایی که به خانواده‌ها کمک می‌کند تا زندگی بهتر و سالم‌تری داشته باشند، برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی است (عزیزپور و همکاران، ۱۳۹۳). این مهارت‌ها باید از کودکی در انسان نهادینه شود تا زندگی سالم و شادی را در بزرگسالی تجربه کند.

یکی از راه‌های مناسب برای آموزش مهارت‌های زندگی به کودکان و نوجوانان، استفاده از ژانر داستان و رمان است. کودک در صورت هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های محبوب داستانی به تقلید رفتارهای او در زندگی خود می‌پردازد و با تکرار رفتار، این

خصیصه، پس از مدتی، جزئی از شخصیت او می‌شود. بنابراین شایسته است این مهارت‌ها به‌طور غیرمستقیم از طریق داستان به کودکان، آموزش داده شود.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌هایی است که فعالیت خود را از سال ۱۳۴۴ خورشیدی آغاز کرد و تاکنون خدمات متنوع و ارزنده‌ای را برای کودکان این مرزوبوم ارائه کرده است. در این سازمان، سالانه تعداد زیادی کتاب (به‌خصوص کتاب‌های داستانی) برای گروه‌های سنی مختلف چاپ و نشر می‌شود که در همه‌ی استان‌ها و شهرستان‌های کشور توزیع می‌شوند. در هر شهرستان، مراکز و نهادهایی برای توزیع و ارائه‌ی کتب منتشرشده وجود دارد که کودکان می‌توانند با مراجعه به این مراکز به کتب دلخواه خود دسترسی پیدا کنند. با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، کودکان مخاطب به برخی از این کتاب‌ها و آثار کودکانه اقبال بیشتری نشان داده‌اند و می‌توان به عناوین این کتاب‌ها دست یافت.

کتاب‌های پرخواننده‌ی کانون پرورش فکری کتاب‌هایی هستند که مخاطبان‌شان اقبال بیشتری به آن‌ها نشان داده‌اند و درحقیقت محبوب مخاطبان خود هستند و به گفته‌ی مربیان کانون، کودکان و مراجعان به این آثار دسترسی بیشتری داشته و دارند؛ چنان‌که در بازه‌ی زمانی ده‌ساله با اختلاف بسیار زیاد، کودکان بیشتری را به خود جذب کرده‌اند و در همه‌ی کتابخانه‌های کانون یافت می‌شوند؛ بنابراین می‌توانند برای نمونه‌های آماری در انجام این پژوهش انتخاب شوند.

وقتی کودک با داستان ارتباط خوبی برقرار می‌کند، بهتر می‌تواند با شخصیت داستانی محبوب خود همانندسازی کند و در انگیزه‌ها و تجربه‌هایش سهیم شود؛ بنابراین با این پیش‌فرض که بیشتر کودکان با شخصیت‌های داستانی کتاب‌های محبوب خود هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، می‌توان با بررسی روان‌شناسانه‌ی این کتاب‌ها، به میزان توجه کودکان به غنای محتوایی کتاب‌ها دست یافت و همین‌طور با توجه به اینکه کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان کانون پرورش فکری به گفته‌ی مربیان، آثار در دسترس کودکان بسیاری هستند، می‌توان به نتایج شایان توجهی دست پیدا کرد.

بنابراین پژوهش حاضر با هدف تحلیل کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان براساس چگونگی طرح مهارت‌های زندگی و بررسی فراوانی هر یک از مهارت‌ها در این کتاب‌ها، به بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده و در دسترس کودکان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پرداخته تا درنهایت به سؤالات زیر پاسخ دهد.

۱. ۱. سؤالات پژوهش

۱. مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده و در دسترس کودکان کانون پرورش فکری چگونه مطرح شده است؟
۲. در کتاب‌های پرخواننده کانون پرورش فکری، کدام یک از مهارت‌ها بیشتر و کدام کمتر دیده می‌شود؟

۱. ۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام شده است. جامعه‌ی آماری کتاب‌های پرخواننده، کودک و نمونه‌های آماری، پرخواننده‌ترین کتاب‌های کودک است که به روش نمونه‌گیری هدف‌مند انتخاب شده‌اند. به لحاظ محیط گردآوری اطلاعات یک پژوهش نظری است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در ابتدا با مراجعه به کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان فارس، فهرست پرخواننده‌ترین آثار کودکان گروه سنی «ب» و «ج» در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۵ در سطح کشور استخراج و در مرحله‌ی بعد کتاب‌ها از منظر میزان و چگونگی طرح مهارت‌های زندگی در آن‌ها تحلیل شد.

از آنجاکه در پژوهش حاضر، کتاب‌ها به لحاظ کیفیت طرح مهارت‌های زندگی تحلیل شده است، تحلیل محتوا به صورت کیفی است و بدین اعتبار که فراوانی مهارت‌ها در نمونه‌های آماری بررسی شده است، تحلیل کمی است. بنابراین تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت داده‌ها پژوهشی کیفی کمی است. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و از راه مطالعه و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی کمی انجام شده است.

۱.۳. پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی بررسی آثار مربوط به کودکان، برحسب مهارت‌های زندگی مقالاتی در سایت‌های اطلاعاتی یافته شد. بعضی از این آثار به بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های درسی کودکان و نوجوانان و بعضی به کتاب‌های غیردرسی پرداخته‌اند.

برای مثال، پیرفیروزجایی (۱۳۹۵) در «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره‌ی آموزش ابتدایی براساس مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی» به بررسی مهارت‌های زندگی در آثار گفته‌شده پرداخته است و در پایان به این نتیجه رسیده است که به همهی مؤلفه‌ها در این کتاب‌ها توجه شده است و مؤلفه‌ی برقراری ارتباط بیشترین بسامد و مؤلفه‌ی تفکر انتقادی کمترین بسامد را داشته است.

جوانمردی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به تحلیل کتاب‌های کودکانی پیش‌دبستانی برپایه‌ی مهارت‌های زندگی پرداخته است. نتایج نشان داد که نویسندگان در آفرینش کتاب‌های کودکانی مقطع پیش‌دبستانی به مهارت‌های زندگی از جمله مهارت ارتباط مؤثر، حل مسئله، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، خودآگاهی، انطباق هیجان، بین‌فردی، همدلی، مدیریت استرس توجه کافی داشته‌اند.

در میان پژوهش‌هایی که به نقد آثار از منظر مهارت‌های زندگی پرداخته‌اند، برخی همهی مهارت‌ها را در آثار جست‌وجو و بررسی کرده‌اند و برخی به بررسی و تحلیل مهارتی خاص در آثار پرداخته‌اند.

صدری‌زاده (۱۳۹۰) در «بررسی آموزش مهارت‌های زندگی در ادبیات داستانی کودک» به بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های کودکان در دهه‌ی هشتاد پرداخته است. کریمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی با نام «بررسی میزان برخورداری کتاب‌های داستانی گروه سنی نوجوان از مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی»، به بررسی مهارت‌های زندگی در داستان‌های این گروه سنی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که همهی مؤلفه‌ها در داستان‌ها دیده شده است. مؤلفه‌ی همدلی و خودآگاهی بیشترین بسامد و مؤلفه‌ی مقابله با استرس، کمترین بسامد را داشته است.

میرحسینی و قاسمی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «بررسی تحلیل محتوای مهارت‌های زندگی در کتاب‌های داستانی کودکان ۴-۹ سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۲» به بررسی گرایش موضوعی نویسندگان پیرامون مفاهیم مرتبط با مهارت‌های زندگی در کتاب‌های داستانی کودکان پرداخته‌اند و موسوی (۱۳۹۴) در «بازتاب مهارت‌های زندگی در داستان‌های لاله جعفری»، داستان‌های این نویسنده را از این منظر بررسی کرده است.

رضایی و نجفی‌بهزادی (۱۳۹۹) در «بررسی تطبیقی مهارت‌های زندگی در رمان‌های اریش کستور و فرهاد حسن‌زاده»، مهارت‌های زندگی را در رمان‌های این دو نویسنده به لحاظ کمی و کیفی بررسی و تحلیل و سپس مقایسه کرده‌اند.

در میان آثاری که به یک مهارت در اثر یا آثار خاصی نظر داشته‌اند، مهارت تفکر انتقادی و پس از آن تفکر خلاق جایگاه خاصی داشته است. پارساپور و صدوری‌زاده (۱۳۹۲) در «بررسی آموزش مهارت تفکر انتقادی در ادبیات داستانی کودک» به بررسی مهارت تفکر انتقادی در این آثار پرداخته است.

کرویس^۱ (۱۹۸۷) در «کاربرد ادبیات کودکان در تقویت مهارت تفکر انتقادی» به فعالیت‌های یادگیری که باعث ارتقای مهارت‌های تفکر انتقادی، خلاقیت و رشد عاطفی در کودکان می‌شود پرداخته است. او از طبقه‌بندی بلوم برای راهنمای طراحی این‌گونه فعالیت‌ها برپایه‌ی ادبیات کودکان، استفاده کرده است.

پژوهش‌های انجام‌شده حاکی از این حقیقت است که به همهی مهارت‌ها در کتاب‌های کودکان توجه شده است. بعضی از مهارت‌ها فراوانی بیشتری در آثار مربوطه کودکان داشته‌اند و برخی از آنان با بسامد کمتری مطرح شده‌اند. تاکنون در هیچ پژوهشی به بررسی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده و محبوب کودکان به‌منظور میزان طرح و فراوانی این مهارت‌ها در این کتاب‌ها، پرداخته نشده است. این پژوهش به بررسی تحلیلی همهی مهارت‌های زندگی در کتاب‌های پرخواننده و در دسترس کودکان از جوانب مختلف پرداخته است.

^۱. Kruise

۲. بحث و بررسی

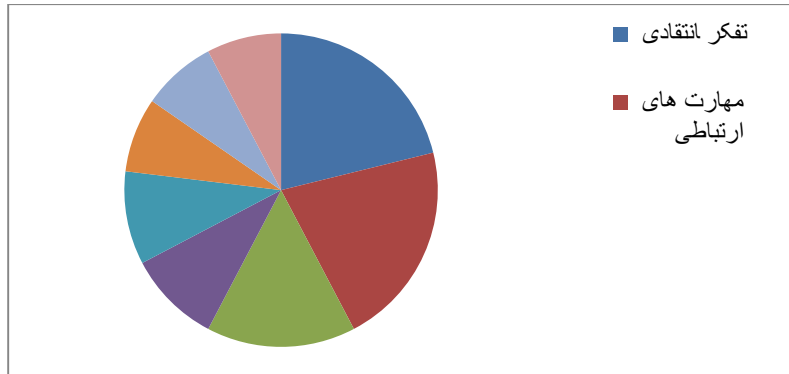
در جدول زیر مشخصات آثار همراه با مؤلفه‌های غالب در آن نشان داده شده است:

ردیف	عنوان کتاب	قالب	تألیف یا ترجمه	گروه سنی	شخصیت اصلی	مؤلفه‌ی آموزشی	مهارت‌های زندگی
۱	خوشحال باش مرغک من	داستان	ترجمه	ب ج	پیرمرد دانا	بخشش، کمک به افراد نیازمند	همدلی
۲	گره‌ها و خروس‌ها	داستان	ترجمه	ب	گره	زودباور نبودن و زیربار زورنرفتن	خودآگاهی، تفکر انتقادی
۳	دعای موش کوچولو	داستان	تألیف	الف/ ب	موش کوچولو	دعاکردن و امیدواری به لطف خداوند، کمک کردن به دیگران	همدلی، مهارت‌های ارتباطی
۴	چرا دعوا می‌کنی؟	داستان	ترجمه	الف	نارنجی و گوش سیاه	آموزش دادن احترام گذاشتن به دوستان خود و محبت کردن به یکدیگر و برقراری صلح و دوستی بین یکدیگر.	همدلی، مهارت‌های بین فردی، تفکر خلاق
۵	در جستجوی خدا	داستان	تألیف	ب/ج	سنجاب کوچولو	حضور خدا در جهان هستی فهم اینکه خدا در همه‌جا حضور دارد و پاسخ‌گوی دعای انسان هاست، بهبود نگاه و درک کودک از خدا	همدلی، تفکر انتقادی
۶	کاش یک برادر داشتم	داستان	ترجمه	الف/ ب	ویلی	صبوری کردن، تحکیم روابط خواهربرادری	همدلی، مهارت‌های ارتباطی
۷	گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد خیلی بزرگ	داستان	ترجمه	الف	برفی	دوست داشتن خود قبول نقص‌های خود	خودآگاهی، مهارت‌های ارتباطی
۸	خشم قلمبه	داستان	ترجمه	الف/ ب	پسر کوچولو	چگونگی کنترل خشم مواجه شدن با عواقب کنترل نکردن خشم	کنترل هیجانات منفی، مهارت‌های ارتباطی
۹	زرد و صورتی	داستان	ترجمه	ج/د	آدمک	دعوت به تفکر و تعقل، تفاوت در تفکرها، تفکر منطقی، پرسش گری، اذعان به ندانستن بعضی چیزها و تلاش برای فهمیدن، نظم در خلقت پدیده‌ها، اثبات وجود خدا	تفکر انتقادی، خودآگاهی

۱۰	خفاش دیوانه	داستان	ترجمه	ب/ج	خفاش	قبول دیدگاه‌های متفاوت و احترام به آن‌ها، نگاه کردن به قضا یا از زوایای دیگر، درک کردن دیگران، تجربه‌ی نگاه‌های متفاوت و غیرمتعارف	تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی
۱۱	گوسفندی که عصبانی بود، خیلی عصبانی	داستان	ترجمه	الف/ب	برفی	نکوهش عصبانیت و زیاده خواهی، بیان پیامدهای خشم و ناراحتی، دست کشیدن از خواسته‌های نامعقول و زیاده از حد	مهارت‌های ارتباطی، کنترل خشم
۱۲	گروفالو	داستان	ترجمه	الف	موش کوچو لو	به وجود آمدن حس کنجکاو در کودک، تقویت تخیل	تفکر انتقادی، تفکر خلاق
۱۳	قصه الاغ و سنگ	داستان	ترجمه	ب	حاکم عادل	قضاوت عادلانه، بهره‌گیری از هوش و ذکاوت برای کمک به نیازمندان	حل مسئله، تفکر انتقادی
۱۴	بهادر	داستان	تألیف	ب/ج	بهادر	پرهیز از زورگویی، مهربانی نفی فریب و نیرنگ، زیر بار ظلم نرفتن، اتحاد در برابر ظلم	تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی
۱۵	افسانه کچل کفترباز	داستان	تألیف	الف/ب	کچل	آشنایی با واقعیات زندگی چیره‌شدن بر مشکلات برای رسیدن به هدف	تصمیم‌گیری، تفکر خلاق
۱۶	کلوچه‌های خدا	داستان	تألیف	ج	خرس کوچ و لو	مهربانی کمک به دیگران	همدلی، مهارت‌های ارتباطی
۱۷	عروسبه عروسی	شعر	تألیف	الف	-	-	کنترل هیجانات منفی
۱۸	قلب مترسک	داستان	ترجمه	ج	سار کوچولو	کمک و همدلی با دیگران مهربانی و محبت به دیگران	همدلی، مهارت‌های ارتباطی
۱۹	ماهی رنگین کمان و غار هیولای دریا	داستان	ترجمه	ب	ماهی رنگین کمان	کمک به دیگران، تحمل سختی‌ها، شجاعت در برخورد با چیزهای ناشناخته	تصمیم‌گیری و تفکر انتقادی، کنترل هیجانات منفی
۲۰	خداحافظ راکون پیر	داستان	تألیف	ب/ج	راکون	بیان مفهوم مرگ با زبانی نرم برای کودک، آشنایی با دنیای بعد از مرگ، درک درست از پدیده‌ها و عناصر طبیعت، آموزش مفاهیم معنوی و اخلاقی، فهم فلسفه زندگی	همدلی

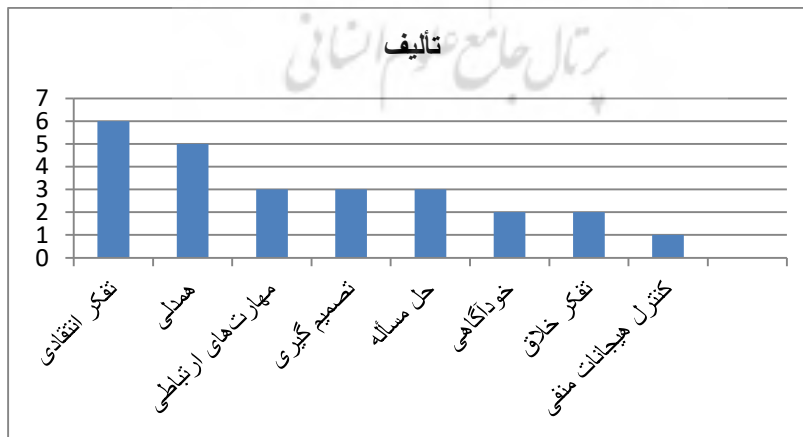
۲۱	سگی که قارقار می‌کرد	داستان	تألیف	سگ	کمک به حیوانات و عدم حیوان‌آزاری	حل مسئله، در داستان سگی که قارقار می‌کرد. تصمیم‌گیری، حل مسئله در داستان چه بالون‌های باهوشی پیدا می‌شود. تفکر انتقادی در داستان دریاچه را کی دزدیده؟
۲۲	هی با من دوست می‌شوی؟	داستان	تألیف الف/ب	کفشدوزک	دوست‌نشدن با غریبه‌ها، تحقیق درباره‌ی افراد قبل از دوستی با آن‌ها، توجه به تجارب دیگران	تفکر انتقادی، مهارت‌های ارتباطی
۲۳	قصه مارمولک سبز کوچولو	داستان	تألیف ب	مارمولک سبز کوچولو	شکرگذاری از چیزهایی که خداوند به ما داده است، رضایت از چیزهایی که داریم	خودآگاهی، تفکر انتقادی
۲۴	شاه میداس و انگشتان جادویی	داستان	ترجمه ج	شاه میداس	دوست‌داشتن داشته‌ها و عدم زیاده‌خواهی	تفکر انتقادی، تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی
۲۵	جادو در شهر بازی	داستان	تألیف ب/ج	استاد		تفکر خلاق
۲۶	مرد جوان و خیاط حیل‌گر	داستان	تألیف ج	مرد جوان	استفاده از قدرت تعقل	خودآگاهی
۲۷	این همه تلق و ملق	داستان	تألیف ب/ج		مهربانی، کمک به دیگران	حل مسئله، همدلی
۲۸	بیا یاد بگیریم ترسیم		ترجمه		کمک به کودکان برای غلبه بر ترس	کنترل هیجانات منفی، تفکر انتقادی

نمودار زیر فراوانی مهارت‌ها را در کتاب‌ها نشان می‌دهد:

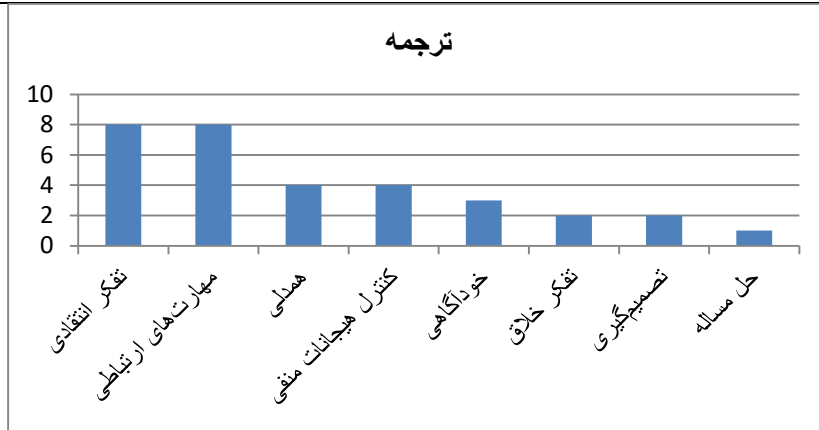


نمودار ۱: فراوانی مهارت‌ها

پس از بررسی انجام‌شده بر کتاب‌های پرخواننده، این نتیجه به دست آمد که پانزده کتاب ترجمه و سیزده کتاب تألیف بودند. در کتاب‌های ترجمه، مهارت‌های ارتباطی و تفکر انتقادی با اختلاف زیاد بیشترین فراوانی و حل مسئله کمترین فراوانی را داشتند. در کتاب‌های تألیفی مهارت‌های همدمی و تفکر انتقادی بیشترین بسامد و کنترل هیجانات منفی کمترین فراوانی را داشتند. نکته‌ی جالب‌توجه این است که سه مهارت تفکر انتقادی، همدمی و مهارت‌های ارتباطی در هر دو گروه بیشترین بسامد را داشته‌اند و این نشان‌دهنده‌ی توجه نویسندگان داخلی و خارجی به این مهارت‌هاست. همه‌ی مهارت‌های زندگی در هر دو گروه کتاب‌های تألیفی و ترجمه مطرح شده بودند. فراوانی طرح همه‌ی مهارت‌ها در هر دو گروه تألیف و ترجمه، در نمودارهای زیر مشاهده می‌شود:



نمودار ۲: فراوانی مهارت‌ها در کتاب‌های تألیفی



نمودار ۳: فراوانی مهارت‌ها در کتاب‌های تألیفی

اینک به بررسی تحلیلی مهارت‌های زندگی در تمامی کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان (ترجمه و تألیف) پرداخته می‌شود:

۱. ۲. تفکر انتقادی

در داستان‌های بررسی‌شده، تفکر انتقادی بیشترین بسامد را داشتند. تفکر انتقادی همان گونه که از نامش پیداست، به معنای روش تفکری است که فرد دارای آن، به راحتی آنچه را می‌شنود باور نمی‌کند و بدون تحقیق و تدقق نمی‌پذیرد. در حقیقت «تفکر انتقادی عبارت است از تفکری مستدل، منظم، هدف‌مند، اثرگذار، منطقی و مبتنی بر پیامد که به روش علمی به بررسی و تجزیه و تحلیل تمامی اطلاعات و نظرات در دسترس می‌پردازد» (Smeltzer & et al, 2005: 52)

لیپمن تفکر انتقادی را تفکری ماهرانه و مسئولانه می‌داند که قضاوت خوب را تسهیل می‌کند؛ زیرا الف. متکی بر معیارهایی است؛ ب. خود اصلاح است و ج. به زمینه حساس است (رک. Lipman, 1988: 39).

رابرت فیشر مهارت تفکر انتقادی را چنین شرح می‌کند:

«بچه‌ها به‌طور طبیعی مجذوب نگرش‌ها و عقاید افراد مهمی می‌شوند که در کنار آنها زندگی می‌کنند. ساختارهای اعتقادی بزرگسالان در عمل به آنها تحمیل می‌شود و کودکان متکی شدن به اعتقادهای دیگران را کم‌کم فراموش می‌کنند [...] اگر قرار است کودک

فراخواندیش و منتقد بارآید، نباید قدرت فکری او به دست شانس سپرده شود... تفکر انتقادی، چگونگی تفکر درباره‌ی یک موضوع را شرح می‌دهد. در نتیجه فراگیری تفکر انتقادی به این معناست که افراد یاد بگیرند چه زمانی سؤال کنند، چگونه سؤال کنند و چه سؤالاتی بپرسند. افراد یاد بگیرند که چگونه استدلال کنند، چه زمانی از استدلال استفاده نمایند و کدامین روش استدلالی را به کار گیرند» (فیشر، ۱۳۸۵: ۱۱۸).

در برخی از داستان‌ها شخصیت اصلی به دلیل تفکر نقادانه‌ای که دارد، شخص موفق داستان می‌شود. برای مثال کلاغ در داستان «دریاچه را کی دزدیده؟» تا نبیند و جوانب موضوع را بررسی نکند سخن دیگران را باور نمی‌کند. برای بعضی از شخصیت‌ها به دلیل فقدان تفکر نقاد مشکلی ایجاد می‌شود و بعد متوجه اشتباه خودشان می‌شوند و مشکل حل می‌شود. تعداد این شخصیت‌ها در داستان‌هایی که تفکر انتقادی در آن‌ها مطرح شده بود، بسیار بیشتر از شخصیت‌های دارای تفکر نقاد بود. اینک به بررسی تفکر انتقادی در کتاب‌های پرخواننده‌ی کودکان پرداخته می‌شود:

در داستان «دریاچه را کی دزدیده؟» از کتاب سگی که قارقار می‌کرد، وقتی که حیوانات به دنبال دزد دریاچه راه می‌افتند و از کلاغ می‌پرسند که آیا آن‌ها را همراهی می‌کند یا خیر، کلاغ می‌گوید: «من تا نبینم باور نمی‌کنم» و همراه با آن‌ها به سمت دریاچه می‌رود و می‌بیند که آب دریاچه یخ بسته است (رک. کلهر، ۱۳۸۳: ۱۸). این داستان به کودک می‌آموزد که هر سخنی را نسنجیده باور نکند. «تفکر نقادانه، تفکری است که در جست‌وجوی شواهد، دلایل و مدارک برای یک قضاوت و نتیجه‌گیری است و یا برای دستیابی به چنین قضاوت و نتیجه‌گیری خواستار دلایل، شواهد و مدارکی است» (نوری، ۱۳۸۳: ۶).

شخصیت پادشاه در داستان «شاه میداس و انگشتان جادویی» بدون توجه به عواقب کار، آرزویی می‌کند و در پایان پشیمان می‌شود. عشق به طلا، عقل پادشاه را برای تفکر منتقدانه ناتوان کرده است. شاه که آرزو می‌کند به هرچه دست می‌زند به طلا تبدیل شود، در پایان داستان متوجه می‌شود در زندگی چیزهایی هستند که ارزششان از طلا خیلی بیشتر است و نمی‌تواند آن را با هیچ شیء ارزشمند دیگری مقایسه کند. اگر پادشاه قبل از اینکه آرزوی خود را مطرح کند به نتایج کار می‌اندیشید، شاید دیگر چنین آرزویی

نداشت. «افرادی که منتقدانه می‌اندیشند به این نکته واقفند که هر عملی پی‌آمدها و عواقب خاص خود را دارد» (Paul & Elder, 2005: 76).

کفشدوزک، شخصیت داستان «هی با من دوست می‌شوی؟» شیفته‌ی موجودی می‌شود که دشمن اوست و قصد نابودی او را دارد. کفشدوزک تلاش می‌کند با عنکبوت دوست شود؛ درحالی‌که دوست واقعی‌اش در نزدیکی اوست. کفشدوزک کورکورانه مبهوت ظاهر زندگی عنکبوت می‌شود و به عواقب این دوستی نمی‌اندیشد. کفشدوزک حتی به پشه‌ای که روی تارها دست‌وپا می‌زند توجهی نمی‌کند (رک. کلهر، ۱۳۸۹: ۱۶). تاب عنکبوت عقل را از سرش ربوده است. این داستان به کودک می‌آموزد که دوستانش را عاقلانه انتخاب کند.

ماهی رنگین‌کمان در داستان ماهی رنگین‌کمان و غار هیولای دریا، بدون اینکه موجودات ترسناک اقیانوس را دیده باشد، برپایه‌ی شنیده‌ها دچار وحشت می‌شود؛ اما زمانی که به آن‌ها نزدیک می‌شود، متوجه می‌شود که آن موجودات نه تنها ترسناک نیستند؛ بلکه بسیار دوست‌داشتنی هستند (فیستر، ۱۳۸۸: ۳). کودک مخاطب با خواندن این داستان می‌آموزد که بدون تحقیق درباره‌ی چیزی اظهارنظر نکند و در پایان داستان می‌فهمد که ترس آن‌ها بی‌دلیل و از روی ناآگاهی بوده است. «افرادی که منتقدانه می‌اندیشند، به این نکته واقفند که همه‌ی انواع تفکر برمبنای یک سلسله داده، اطلاعات، شاهد و مدرک، تجربه یا پژوهش استوار است» (Paul & Elder, 2005: 72).

موش کوچولو شخصیت اصلی داستان گروفالو، وقتی با خطر مواجه می‌شود، موجودی خیالی با نام گروفالو خلق می‌کند. دشمنان موش کوچولو وقتی وصف گروفالوی خیالی را از زبان موش کوچولو می‌شنوند، بدون هیچ مقاومتی آن را باور می‌کنند و خوراک خوشمزه خود را از دست می‌دهند. اگر این شخصیت‌ها، مهارت منتقدانه‌ی اندیشیدن را کسب کرده بودند، شاید به سخنان بی‌اساس موش کوچولو توجهی نمی‌کردند.

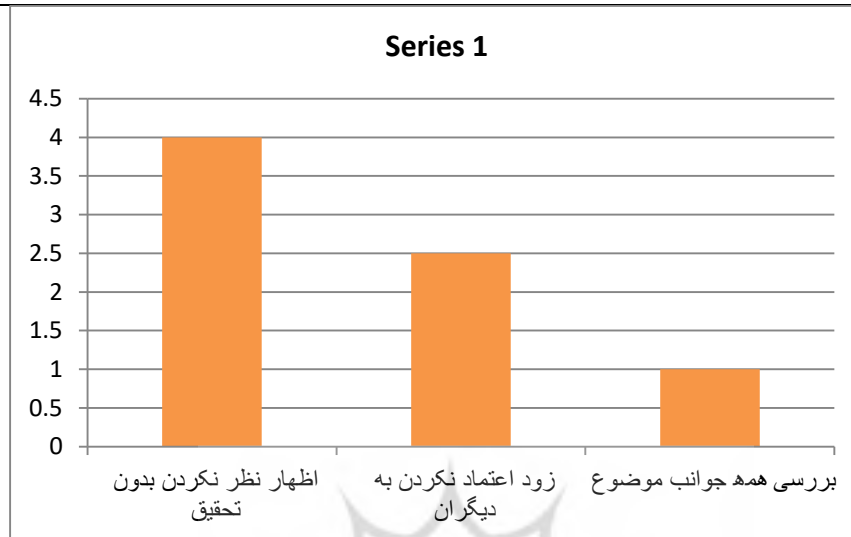
حیوانات جنگل در داستان خفاش دیوانه که شخصیت‌های فرعی و ناموفق داستان هستند، زمانی که به دیدار خفاش که تازه به جنگل آمده است، می‌روند، با دیدن ظاهر خفاش و حرف‌های متفاوت او، دیوانه خطابش می‌کنند و زمانی که متوجه تفاوت‌های خفاش می‌شوند، احساس ندامت و شرمندگی می‌کنند. «خفاش گفت: من دوست دارم

یک چتر داشته باشم تا وقتی باران می‌آید، پاهایم خیس نشود. بچه‌فیل زیر لب گفت: خفاش پیر دیوانه! چتر نمی‌گذارد سر خیس شود، نه پا...» (ویلیمس، ۱۳۸۷: ۳).

گره‌ها در داستان گره‌ها و خروس‌ها، بدون پژوهش و طرح این پرسش که چگونه بر سر خروس، تاجی از آتش فروزان است، تاج آتشین خروس‌ها را باور می‌کنند و سال‌ها تحت سیطره‌ی آن‌ها باقی می‌مانند و در پایان داستان متوجه اشتباه خود می‌شوند. «تفکر نقادانه، تفکری است که در جست‌وجوی شواهد، دلایل و مدارک برای یک قضاوت و نتیجه‌گیری است و یا برای دستیابی به چنین قضاوت و نتیجه‌گیری خواستار دلایل، شواهد و مدارکی است» (نوری، ۱۳۸۳: ۶). زرد و صورتی دو شخصیت اصلی در داستان زرد و صورتی، درباره‌ی چپستی خود و اینکه چرا به‌وجود آمده‌اند، کنجکاو می‌شوند و به طرح پرسش می‌پردازند (رک. استیگ، ۱۳۸۸: ۱۱).

در این داستان‌ها بعضی از شخصیت‌ها، مثل موش کوچولو و کلاغ منتقدانه می‌اندیشند. این‌ها شخصیت‌های موفق داستان‌ها هستند. بعضی از شخصیت‌ها این مهارت را ندارند؛ مثل حیوانات جنگل در داستان خفاش دیوانه، گره‌ها، دشمنان موش کوچولو، کفشدوزک و ماهی‌رنگین‌کمان؛ بعضی از آن‌ها، در نیمه‌های داستان متوجه اشتباه خود می‌شوند؛ اما بعضی از این شخصیت‌ها مثل دشمنان موش کوچولو به‌دلیل نداشتن تفکر انتقادی تا پایان داستان به هدف خود نمی‌رسند. «تفکر انتقادی تفکری است مستدل و مستند به مدارک و اطلاعاتی موثق که انتظار می‌رود به قضاوتی صحیح منجر شود و استانداردهایی مناسب را برای ارزیابی و تفسیر مسایل پیچیده و بحث‌برانگیز، به‌منظور رسیدن به نتیجه عرضه کند» (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶۱).

در داستان‌های بررسی‌شده سه مؤلفه‌ی «اظهارنظر نکردن بدون تحقیق»، «زود اعتماد نکردن به دیگران» و «بررسی همه‌ی جوانب موضوع» دیده شد. فراوانی مؤلفه‌ها در نمودار زیر مشاهده می‌شود:



نمودار ۴: فراوانی مؤلفه‌های تفکر انتقادی

۲.۲. مهارت‌های ارتباطی (مهارت‌های بین‌فردی و ارتباط مؤثر)

مهارت‌های ارتباطی که شامل دو مهارت بین‌فردی و ارتباط مؤثر می‌شود، مهارت‌هایی هستند که به فرد کمک می‌کنند تا روابط خود را به شکلی سازنده گسترش دهد و در ارتباطات خود با خانواده و دیگران موفق باشد. «این مهارت به فرد کمک می‌کند تا از طریق کلام یا رفتار خود و به شیوه‌ای که متناسب با فرهنگ، جامعه و موقعیت، خود و ارزش‌ها و باورهای خویش را مطرح سازد. بدین ترتیب فرد خواهد توانست، نظرات، عقاید، خواست‌ها، نیازها و عقاید خود را ابراز کند و در صورت نیاز بتواند از دیگران درخواست کمک و راهنمایی نماید» (خالصی، ۱۳۸۲: ۱۴). در حقیقت، «این توانایی به ایجاد روابط بین‌فردی مثبت و مؤثر انسان با دیگران کمک می‌کند. یکی از این نمونه‌های توانایی، ایجاد و ابقای روابط دوستانه است که در سلامت روانی و اجتماعی، روابط گرم خانوادگی و قطع روابط اجتماعی ناسالم نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند» (همان).

می‌توان گفت، این مهارت در بیشتر داستان‌ها موضوعیت دارد و این داستان‌ها در کنار آموزش مهارت‌های دیگر، به تقویت مهارت‌های بین‌فردی و ارتباطات کودکان کمک می‌کنند. داستان چرا دعوا می‌کنی؟!، ماجرای تنش میان دو شخصیت داستانی را نشان

می‌دهد. شخصیت‌های داستانی به دلیل ضعف در مهارت‌های ارتباطی با هم دعوا می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند با خودخواهی و سرزنش طرف مقابل، خودشان را موجه جلوه دهند. خشم در این داستان باعث دعوا میان دو دوست می‌شود. در پایان داستان، شخصیت‌های داستانی با توجه به توانایی‌های طرف مقابل و اینکه چگونه می‌توانند از قابلیت‌های یکدیگر استفاده کنند، زمانی که طعم تلخ تنهایی را چشیده بودند و ارزش دوستی‌شان برای آن‌ها پدیدار شده بود، با هم آشتی کردند. در این داستان کودک به اهمیت دوستی و راه‌هایی برای بهتر کردن روابط دوستان آشنا می‌شود.

کودک با خواندن داستان‌هی با من دوست می‌شوی، می‌آموزد که با چه کسانی دوست باشد و از چه کسانی دوری کند و دوستان خویش را از دست ندهد و به هرکسی اعتماد نکند. کفشدوزک در این داستان به حرکات عنکبوت توجهی نمی‌کند و طبق تصورات و رویاهایی که در ذهن دارد، دوستی عنکبوت را در سر می‌پرواند و در پایان داستان متوجه اشتباه خود می‌شود (رک. کلهر، ۱۳۸۹: ۱۹).

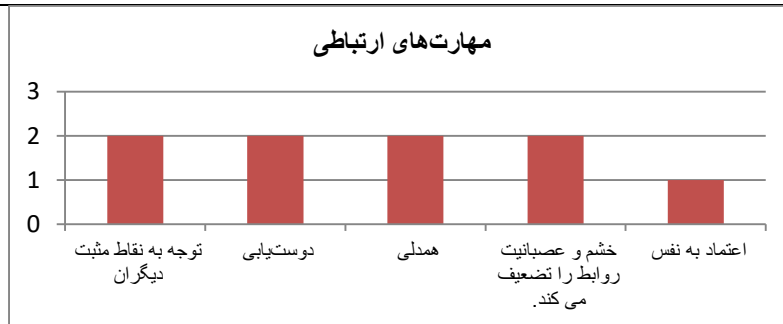
یکی از ملاک‌های برقراری ارتباط مؤثر نشان‌دادن محبت به دیگران است. داستان قلب مترسک به کودک نشان می‌دهد که مهربانی زشتی را دوست‌داشتنی و زیبا جلوه می‌دهد. مترسک که موجودی به ظاهر ترسناک است، توانست با مهربانی دل سار کوچک را به دست آورد؛ به گونه‌ای که در پایان داستان جدایی از یکدیگر برای آن‌ها سخت شده بود. یکی از تغییراتی که در زندگی کودک ممکن است رخ دهد، تولد فرزند دوم است. کودکان با تولد فرزند دوم و کم‌شدن توجه والدین به آن‌ها ممکن است دچار مشکلاتی در زندگی شوند. داستان کاش یک برادر داشتم، به کودک می‌آموزد که خواهر کوچک‌ترش را دوست داشته باشد. ویلی در این داستان آرزو دارد یک برادر داشته باشد و خدا به او یک خواهر می‌دهد. پس از مدتی که مهربانی‌های خواهر کوچک‌ترش را می‌بیند به او علاقه‌مند می‌شود و با او بازی می‌کند. هر انسانی زیبایی‌ها و نقاط قوتی دارد که اگر به این نقاط قوت توجه شود، روابط خوبی را به ارمغان می‌آورد. بنابراین یکی از ملاک‌های برقراری ارتباط مؤثر، توجه به نقاط قوت فرد مقابل است.

داستان گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد، خیلی بزرگ، شخصیت داستانی را نشان می‌دهند که به آفرینش خود راضی نیست و خود را آن‌گونه که هست نپذیرفته است؛ به‌خصوص در داستان اول نداشتن اعتمادبه‌نفس کافی در شخصیت داستانی باعث می‌شود که او آرزو کند بزرگ‌ترین موجود دنیا باشد. در پایان داستان دوست برفی به او می‌گوید من تو را همان‌طور که هستی دوست دارم. کودک با خواندن داستان متوجه می‌شود که هرکس همان‌طور که هست دوست‌داشتنی است و باید خودش را به همین شکل بپذیرد تا مقبول جامعه نیز واقع گردد.

دو داستان گوسفندی که عصبانی بود، خیلی عصبانی و خشم قلمبه نیز عواقب خشم را به تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد که ممکن است انسان در هنگام عصبانیت دوستانش را از دست بدهد. خشم پسرک در داستان خشم قلمبه به موجود بزرگ وحشتناکی تبدیل می‌شود که وسایل او را به هم می‌ریزد. پسرک که از این وضع راضی نیست، خشم را کوچک‌تر و بعد آن را زندانی می‌کند. بعد از این کار همه‌چیز آرام می‌شود و او می‌تواند با پدرش ارتباط خوبی برقرار کند و برفی به هنگام خشم رفتارهایی انجام می‌دهد که دیگران را از او دور می‌کند. آن‌قدر خشمگین می‌شود و به زمین می‌کوبد که زمین دهان باز می‌کند و او را در خود فرو می‌برد و او تنهای تنها می‌شود (رک. تئوبالد، ۱۳۸۸: ۱۲). در حقیقت، مهارت‌های ارتباطی «فرایندهای مرکبی است که فرد را قادر می‌سازد به‌گونه‌ای رفتار کند که دیگران او را باکفایت تلقی کنند» (تی‌وود، ۱۳۸۰: ۱۲).

حیوانات در داستان خفاش دیوانه زمانی که تصمیم می‌گیرند با خفاش ارتباط برقرار کنند، به‌دلیل تفاوت‌های خفاش او را دیوانه لقب می‌دهند و مسلماً با یک فرد دیوانه نمی‌توان ارتباط خوبی برقرار کرد. حیوانات وقتی مثل خفاش به درخت آویزان می‌شوند و دنیا را از زاویه‌ی دید خفاش می‌نگرند، متوجه می‌شوند که او حق دارد چنین سخنانی بگوید. همدلی حیوانات با خفاش باعث اصلاح روابط می‌شود و در پایان داستان، دوستان خوبی می‌شوند.

در کتاب‌های بررسی‌شده، مؤلفه‌های توجه به نقاط مثبت دیگران، دوست‌یابی، همدلی با دیگران (عشق به جهان هستی)، خشم و عصبانیت روابط را تضعیف می‌کند و اعتمادبه‌نفس دیده می‌شود.



نمودار ۵: مؤلفه‌های مهارت‌های ارتباطی

۳.۲. همدلی

فرد با آموختن مهارت همدلی می‌تواند با دیگران ارتباط مؤثر برقرار کند، دیگران را درک کند و با آن‌ها همدلی نماید. در حقیقت، «همدلی به معنای توانایی درک و فهم احساسات دیگران است؛ به طوری که فرد بتواند خود را به جای دیگری بگذارد، از دیدگاه او به موضوع نگاه کند و بتواند احساسات وی را درک کند. [...] همدلی به این معنی نیست که رفتار طرف مقابل درست است یا نه، بلکه فقط به این معنی است که ما می‌فهمیم و درک می‌کنیم که فرد مقابلمان چه احساسی دارد» (نوری، ۱۳۸۳: ۳۸-۳۹). همدلی دو جزء دارد: یکی شناختی و دیگری عاطفی. شناختی عبارت است از: توانایی در شناسایی حالات دیگران و عاطفی نیز نشان‌دادن پاسخ عاطفی مناسب است (رک. امامی نائینی، ۱۳۸۳: ۳۴). افرادی که مهارت همدلی را بیشتر می‌آموزند، به دیگران علاقه‌مندند، افراد مختلف را تحمل می‌کنند، پرخاشگری کمتری دارند و دوست‌داشتنی‌ترند. همدلی روابط اجتماعی را بهبود می‌بخشد و به ایجاد رفتارهای حمایت‌کننده و پذیرنده نسبت به انسان‌های دیگر منجر می‌شود (رک. همان). درحقیقت همدلی، زیرمجموعه‌ی مهارت‌های ارتباطی است؛ چراکه افراد همدل می‌توانند با یکدیگر ارتباط خوبی برقرار کنند؛ بنابراین در بسیاری از مواقع، لازمه‌ی برقراری ارتباط مؤثر، همدلی با دیگران است؛ چنان‌که در داستان‌های بررسی‌شده گاهی هر دو مهارت همدلی و مهارت‌های ارتباطی دیده می‌شود.

مهارت همدلی در داستان‌های پرخواننده به میزان زیادی مطرح شده بود. در داستان *خفاش دیوانه* اگر شخصیت‌های داستانی از زاویه‌ی دید خفاش به دنیا نگاه می‌کردند،

واکنش عاطفی مناسب‌تری از خود نشان می‌دادند؛ چنان‌که در پایان داستان وقتی مانند خفاش از درخت آویزان شدند همه از او عذرخواهی کردند.

ویلی شخصیت اصلی داستان کاش یک برادر دابستم، دوست دارد یک برادر داشته باشد؛ اما او به جای برادر یک خواهر دارد. ویلی زمانی که می‌تواند با خواهرش بازی کند، به جنگل برود و قایق‌سواری کند، به خصوص زمانی که ویلی را می‌بوسد، کاری که شاید برادرش انجام نمی‌داد، دیگر به داشتن برادر نمی‌اندیشد. در این داستان خواهر و برادر به دلیل برقراری روابط همدلانه در کنار یکدیگر شاد هستند.

در کتاب *این همه تلق و ملق*، بزی آش شله‌قلمکار می‌پزد. در همسایگی دکان بز، درختی تنها و غرغرو زندگی می‌کند که مرتب غر می‌زند. بز که دلیل غرغردن‌های درخت را فهمیده است، برای حل این مشکل، راه‌حل خوبی پیدا می‌کند. او که می‌داند درخت چرا افسرده است، به او می‌گوید با برقراری ارتباط مؤثر و همدلی با او می‌کوشد تا تنهایی درخت را کمتر کند (رک. کتبی، ۱۳۹۲: ۱۲). بز در پایان داستان هم دل درخت را به دست می‌آورد و هم مشتری‌هایش را حفظ می‌کند. در حقیقت همدلی بز با درخت در داستان باعث می‌شود که شخصیت داستانی به اهدافش دست پیدا کند.

داستان *خوشحال باش مرغک من* درباره‌ی مرغی است که به‌عنوان هدیه به یک پیرمرد فقیر و مهربان اعطا می‌شود. پیرمرد هم مرغ را به دیگری هدیه می‌دهد. مرغ دست‌به‌دست می‌چرخد تا دوباره به پیرمرد می‌رسد و آن را در باغچه‌اش نگهداری می‌کند. در این داستان، پیرمرد که به مرغ نیاز دارد برای اینکه می‌داند تعمیرکار فقیر بیشتر به آن نیاز دارد مرغ را به تعمیرکار می‌دهد و داستان همین‌طور ادامه پیدا می‌کند (رک. هارتمن، ۱۳۹۳: ۴). همدلی شخصیت‌های داستانی با یکدیگر باعث می‌شود از نیاز خود صرف نظر کنند و دارایی خود را به کسی که نیازمندتر است بدهند.

در کتاب *قلب مترسک*، همدلی مترسک با سار کوچک دیده می‌شود؛ چنان‌که در پایان داستان، سار را با عنوان «قلب من» خطاب می‌کند: «چشم‌های مترسک پر از اشک بود و فقط توانست بگوید: به سلامت سار عزیز! تو دیگر بزرگ شده‌ای. به سلامت، قلب من!» (مهرفزا، ۱۳۸۶: ۴۰).

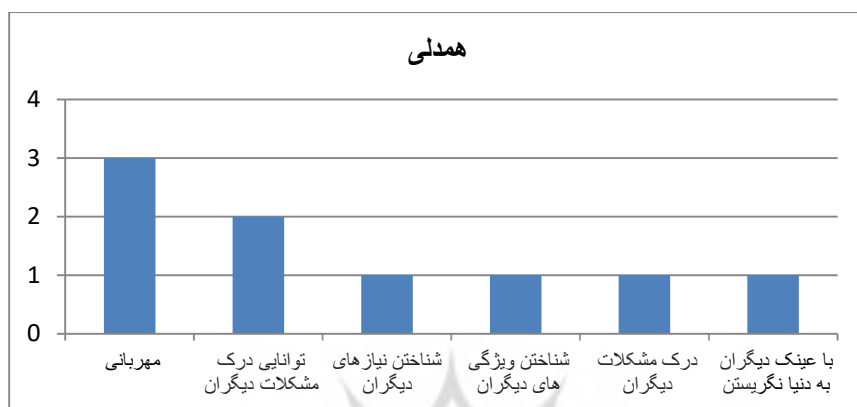
در حقیقت، توانایی همدلی انگیزه‌ی مهمی برای رفتارهای نوع‌دوستانه به وجود می‌آورد. به‌همین دلیل کودکانی که همدلی بیشتری دارند، با دیگران مهربان هستند و رفتارهای مراقبتی بیشتری انجام می‌دهند، حساس و نگران آسیب‌دیدن دیگرانند، هیجان مثبتی در مقابل دیگران نشان می‌دهند، با دیگران تعامل بدنی و کلامی مثبت دارند و به تعامل‌های غیرکلامی نیز حساسند (Borba, 2008: 45).

در کتاب *کلوچه‌های خدا*، خرس کوچولو برای خدا هفت کلوچه‌ی خوشمزه درست می‌کند که برای او ببرد؛ اما در راه به حیوانات گرسنه‌ی زیادی برخورد می‌کند و کلوچه‌ها را بین آن‌ها تقسیم می‌کند و با دعا‌های آنان احساس لذت و رضایت می‌کند. شخصیت داستانی که حال گرسنگان را به‌خوبی می‌فهمد، کلوچه‌هایی را که برای خدا درست کرده است، به آنان می‌دهد. این داستان به کودک می‌آموزد که همدلی با بندگان خدا، رضایت خدا را به ارمغان می‌آورد.

انسان‌هایی که مسائل مشترکی دارند، می‌توانند همدلی بهتری داشته باشند. این حقیقت در داستان *تو مادر منی؟*، به زیبایی به‌تصویر کشیده شده است. ماشین قرمز، شخصیت اصلی داستان، در یک مغازه‌ی اسباب‌بازی‌فروشی در پی مادرش است؛ اما هیچ‌کس به او اعتنایی نمی‌کند. ماشین کوچک دیگری به ماشین قرمز می‌رسد و از او می‌پرسد تو مادر منی؟ ماشین قرمز که احساس ماشین کوچک را به‌خوبی می‌فهمد، در پاسخ به او می‌گوید: بله، من مادر تو هستم و آرزویی را که خودش دارد، برای دیگری برآورده می‌کند. همدلی ماشین قرمز با ماشین کوچک باعث می‌شود، دو شخصیت داستانی احساس خوبی داشته باشند. «همرنگی و انطباق چهارچوب ذهنی دو شخص، نقطه‌ی عطف یک رابطه‌ی مؤثر و مفید بین آن‌ها بوده و مصداق واقعی تفاهم و توافق و همدلی است» (امامی، ۱۳۸۳: ۶۵).

در بیشتر داستان‌ها، افراد همدل، افراد مهربانی هستند که توانایی درک کردن حال دیگران را دارند و می‌توانند ارتباط مؤثری با آنان برقرار کنند. در داستان‌های *کاش یک برادر داشتم* و *خفاش دیوانه* شخصیت‌ها در ابتدا نمی‌توانند شخصیت مقابل خود را درک کنند، به این دلیل که شناخت کافی از آن‌ها ندارند و بعد از اینکه شناخت پیدا کردند، رابطه‌شان خوب می‌شود.

در داستان‌ها مؤلفه‌های مهربانی، توانایی درک مشکلات دیگران، شناختن نیازهای دیگران، شناختن ویژگی‌های دیگران و مانند دیگران به جهان‌نگریستن دیده می‌شود.



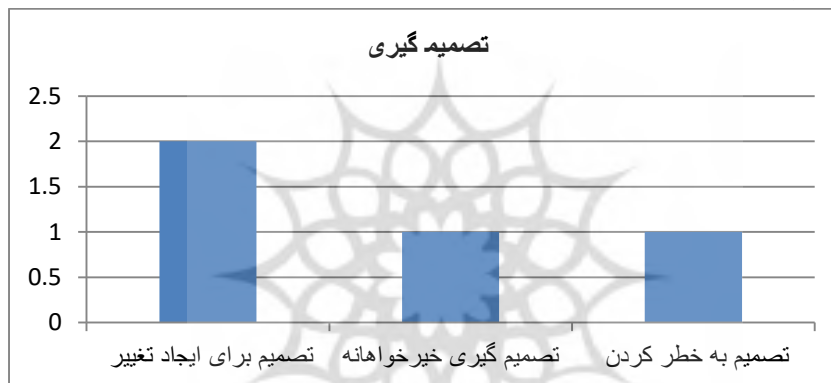
نمودار ۶: مؤلفه‌های همدلی

۴.۲. تصمیم‌گیری

مهارت تصمیم‌گیری مهارتی است که فرد با کسب این مهارت می‌تواند در دوراهی‌های زندگی، راه درست را انتخاب کند. فردی که مجهز به مهارت تصمیم‌گیری است در زمان‌هایی که باید از میان راه‌های متعدد یک راه را انتخاب کند، دچار استیصال نمی‌شود و به یاری نیروی تعقل به ارزیابی اطلاعات و تحلیل علت تصمیم‌گیری می‌پردازد و در نهایت بهترین راه‌حل را گزینش می‌کند و به‌کار می‌گیرد. مراحل تصمیم‌گیری عبارت است از: تشخیص مشکل و تعیین موقعیت مستلزم تصمیم‌گیری، ارزیابی موقعیت و مدنظر قراردادن اهداف، جست‌وجوی گزینه‌ها، انتخاب بهترین گزینه برای عمل، عملی نمودن تصمیم اتخاذشده، ارزیابی نتایج (رک. جزایری، ۱۳۹۹: ۱۴۸-۱۵۴).

مهارت تصمیم‌گیری در داستان‌های پرخواننده‌ی کانون پرورش فکری به‌گونه‌ای مطرح شده بود که تصمیم‌شخصیت داستانی حوادث داستان را به‌وجود می‌آورد. ماهی رنگین‌کمان در داستان «ماهی رنگین‌کمان و غار هیولای دریا»، می‌توانست به آن طرف غار هیولاهای دریا نرود؛ اما برای اینکه به ماهی گوزپشت کمک کند این خطر را پذیرفت.

در کتاب «سگی که قارقار می‌کرد»، داستانی وجود دارد که در آن دختری فقیر چتری را پیدا می‌کند. او فقیر است و به چتر خیلی نیاز دارد، اما زمانی که می‌اندیشد این چتر مال دیگری است، تصمیم می‌گیرد صاحب چتر را پیدا کند (رک. کلهر، ۱۳۸۳: ۹). در داستان «بهادر» نیز شخصیت اصلی داستان تصمیم می‌گیرد که به ظلم‌ها پایان دهد. در داستان‌های بررسی شده تصمیم شخصیت‌های داستانی، سرنوشت‌شان را در پایان داستان مشخص می‌کند. سه مؤلفه‌ی تصمیم برای ایجاد تغییر، تصمیم‌گیری خیرخواهانه و تصمیم به خطر کردن دیده شد.



نمودار ۷: مؤلفه‌های تصمیم‌گیری

۲.۵. حل مسئله

فردی که مهارت حل مسئله دارد می‌تواند در موقعیت‌های دشوار زندگی و در زمان وقوع مشکل، برای مسائل خود راه‌حل‌های مناسب و سازگارانه‌ای بیابد؛ به طوری که مقصودش حاصل و مسئله‌اش حل شود و به دیگران نیز آسیبی نرساند. آموزش مهارت حل مسئله فرایندی شناختی رفتاری است که پاسخ‌های متنوعی را به‌عنوان جایگزین برای مقابله با شرایط مشکل‌آفرین فراهم می‌کند و این‌گونه احتمال انتخاب بهترین و مؤثرترین پاسخ‌های جایگزین را افزایش می‌دهد (رک. Gellis & Kenaley, 2008: 56).

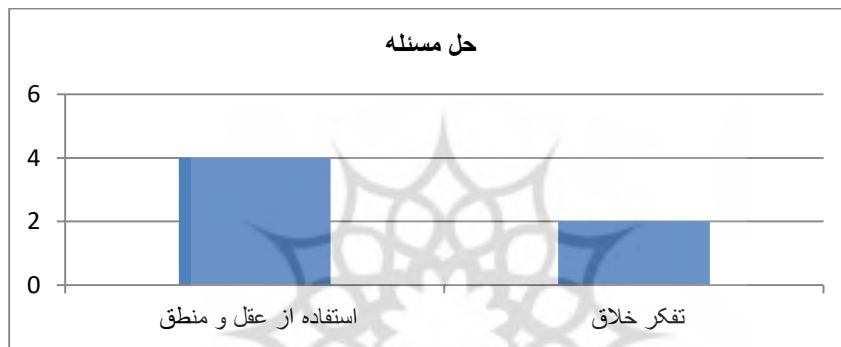
برای انسان در زندگی مسائل زیادی پیش می‌آید و فردی که مهارت حل مسئله را ندارد، پیوسته مضطرب و نگران است و توانش را در مقابله با مشکلات متعدد از دست می‌دهد. حل مسئله معمولاً با تکیه بر عقل و منطق یا برپایه‌ی راه‌حل‌های خلاقانه انجام

می‌شود. در داستان‌ها نیز ناپایداری‌های داستانی با مسائلی که برای شخصیت‌ها به وجود می‌آید، حاصل می‌شود و شخصیت برای حل مسئله و گشودن گره‌های داستانی، تمهیداتی را می‌اندیشد و تجاربی را کسب می‌کند. کودک مخاطب «در طول فرایند همانندسازی، از دیدگاه شناختی تجربه‌های قهرمان داستان را با تجربه‌ها و یا مشکلات خود مقایسه می‌کند. به این فرایند «درون‌سازی» گفته می‌شود» (امجدی، ۱۳۸۶: ۵۲) راه‌حلی که قهرمان داستان برای حل مسائل خود برمی‌گزیند، به کودک می‌آموزد که قهرمان‌ها مسئولیت مشکلات خود را می‌پذیرند و برای حل مسائلشان راه‌حل‌های مناسب را انتخاب می‌کنند. کودک به صورت غیرمستقیم می‌آموزد که شخصیت موفق داستان، به دلیل کسب مهارت‌های لازم، موفقیت‌هایش را به دست آورده است. او نیز باید برای مسائل زندگی‌اش بهترین راه‌حل‌ها را انتخاب کند؛ مسائلی که گاهی راه‌حل‌های منطقی می‌تواند چاره‌جوی آن‌ها باشد؛ گاهی نیز تمهیدات خلاقانه‌ای نیاز است تا مسئله‌ی پیش آمده به بهترین شکل و در کمترین زمان ممکن، حل و فصل شود. در داستان‌های بررسی شده نیز مهارت حل مسئله در بعضی از شخصیت‌های داستانی دیده شد. شخصیت‌های داستانی در بیشتر نمونه‌ها از عقل و منطق خود برای حل مسائلشان استفاده می‌کردند. پادشاه در قصه *الاغ* و سنگ با تمسک به قدرت تعقل و دانایی مشکل دو مرد را حل می‌کند.

بز در داستان *این همه تلق و ملق* برای اینکه حال درخت خوب شود و غرغر نکند و مشتری‌هایش را هم از دست ندهد، راه حل مشکل را در محبت به درخت می‌بیند. در پایان داستان هم حال درخت خوب می‌شود و هم تعداد مشتری‌هایش بیشتر می‌شوند. در داستان *سگی که قارقار می‌کرد*، دکتر با دانشی که دارد مشکل حیوانات را حل می‌کند و سگ را به سزای اعمالش می‌رساند. این داستان جنبه‌ی طنز دارد؛ اما مهارت حل مسئله در رفتار شخصیت داستانی به خوبی دیده می‌شود.

در داستان «چه بالون‌های باهوشی پیدا می‌شود» از کتاب *سگی که قارقار می‌کرد*، بالون با فریب‌دادن دشمنش توانست خودش را نجات دهد و این‌گونه مسئله را حل کرد. البته فریب‌دادن کار درستی نیست؛ اما زمانی که انسان در خطر است و رویاروی دشمن قرار می‌گیرد، باید از هر تدبیری برای نجات خود استفاده کند (رک. کلهر، ۱۳۸۳: ۲۴).

در داستان *گروفالو* نیز موش کوچولو برای حل مشکلی حیوانی با نام *گروفالو* خلق می‌کند و این‌گونه خودش را نجات می‌دهد و در داستان *شب بخیر خرس کوچولو*، مادر خرس کوچولو از گلوله‌ی برف برای خرس کوچولو یک ماه درست می‌کند تا او را بخواباند. در بیشتر داستان‌ها، شخصیت‌های داستانی از نیروی تفکر و تعقل خود استفاده می‌کنند و با تدبیر مناسب به حل مسائل خود می‌پردازند. در داستان‌های بررسی شده دو مؤلفه‌ی استفاده از عقل و منطق برای حل مسئله و حل مسئله به کمک تفکر خلاق دیده شد.



نمودار ۷: مؤلفه‌های حل مسئله

۲.۶. خودآگاهی

مهارت خودآگاهی به معنی شناختن خود است. این مهارت به فرد کمک می‌کند که نقاط ضعف و قوت خود را بشناسد، برای تقویت نقاط قوت خود تلاش کند تا اعتمادبه‌نفس خود را افزایش دهد. به گفته‌ی جان مه‌یر^۱ خودآگاهی به معنای آگاهی از حالات روانی خود و تفکر درباره‌ی آن حالات است (رک. فرمینی و پیداد، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

یکی از دلایل افسردگی و شادنبودن انسان‌ها، مقایسه‌ی مداوم خود با دیگران است. نداشتن شناخت از توانایی‌های خود و ناآگاهی از این حقیقت که هر فرد توانایی‌هایی دارد و هیچ انسانی با دیگری قیاس‌شدنی نیست، نشانه‌ی کمبود اعتمادبه‌نفس است. انسان با اعتمادبه‌نفس از توانایی‌های خود آگاهی دارد و اهداف خود را برپایه‌ی این توانایی‌ها سازمان‌دهی می‌کند، بدون اینکه خود را با دیگران (افرادی با استعدادهای متفاوت) مقایسه

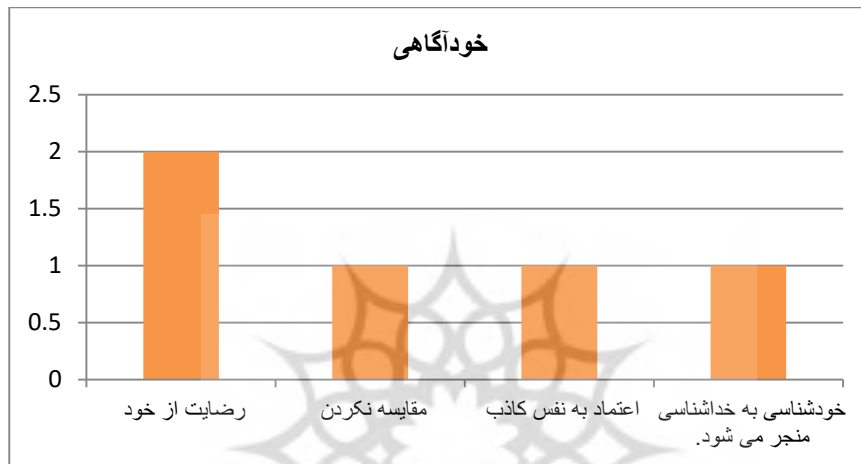
^۱. John Mayer

کند و زمانش را با مقایسه و حسرت نداشته‌ها هدر دهد. انسانی که خودآگاهی لازم را ندارد، وقتش را در راهی هدر می‌دهد که شاید در توان او نباشد؛ درحالی‌که اگر استعدادها، علایق و توانای‌های خود را می‌شناخت، با صرف زمان اندک‌تری، موفقیت و شادی افزون‌تری را کسب می‌کرد. می‌توان با مطرح کردن این حقیقت در قالب داستان آن را به کودکان آموزش داد؛ چنان‌که در داستان‌های پرخواننده‌ی کانون شواهدی از آن یافت شد: در داستان *مارمولک سبز کوچولو*، مارمولک سبز کوچک، پرنده‌ها را می‌بیند که پرواز می‌کنند و ماهی‌ها را درحال شناکردن تماشا می‌کند. او مدام خود را با این حیوانات مقایسه می‌کند؛ اما در پایان می‌فهمد که او فقط می‌خواهد خودش باشد (رک. ژوبرت، ۱۳۸۵: ۷). در داستان *گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد خیلی بزرگ*، نیز گوسفند از آنچه هست رضایت ندارد و آرزو می‌کند بزرگ و بزرگ‌تر شود، غافل از اینکه در اندازه‌ی تعیین‌شده دوست‌داشتنی و مقبول است. او در پایان داستان متوجه اشتباه خود می‌شود.

یکی دیگر از معیارهای خودآگاهی این است که فرد ظرفیت و استعداد‌های خود را برای انجام کارهای مختلف بشناسد. اگر فرد این شناخت را داشته باشد، به انجام کارهای غیرممکن مبادرت نمی‌ورزد. مرد جوان در داستان *مرد جوان و خیاط حیل‌گر*، می‌داند که هیچ‌کس توان شکست دادن خیاط حیل‌گر را نداشته است؛ اما تصمیم می‌گیرد این کار را انجام دهد. مرد که از میزان توانایی خود برای مواجهه با خیاط آگاه نیست، دچار غرور کاذب می‌شود و در پایان از خیاط حیل‌گر شکست می‌خورد.

انسان، آفریده‌ی خداست و هر آفریده‌ای نشان از توانایی آفریننده‌ی خود دارد، چنان‌که گفته‌اند: خودشناسی به خداشناسی منجر می‌شود؛ بنابراین کسی که شناخت کافی از خود دارد؛ می‌تواند به درک عظمت خالق خود نایل شود. در داستان *زرد و صورتی*، در ابتدا شخصیت‌های داستانی شناخت کافی از وجود خود ندارند و بعد با طرح پرسش درباره‌ی خود، پی می‌برند که خالق آن‌ها باید توانایی‌های نامحدودی داشته باشد؛ بنابراین می‌توان گفت شخصیت‌های داستانی در این داستان، زمانی‌که با طرح پرسش درباره‌ی خود، به شناخت خود می‌رسند، نمی‌توانند بپذیرند این نظم و پیچیدگی تصادفی شکل گرفته باشد.

در بیشتر داستان‌ها شخصیت اصلی داستان از آفرینش خود رضایت ندارد و در پایان داستان متوجه اشتباه خود درباره‌ی خودش می‌شود. در کتاب‌های بررسی‌شده چهار مؤلفه‌ی رضایت از خود، مقایسه‌نکردن خود با دیگران، اعتماد به نفس کاذب و خودشناسی که به خداشناسی منجر می‌شود؛ دیده شد.



نمودار ۸: مؤلفه‌های خودآگاهی

۷.۲. کنترل هیجانات منفی

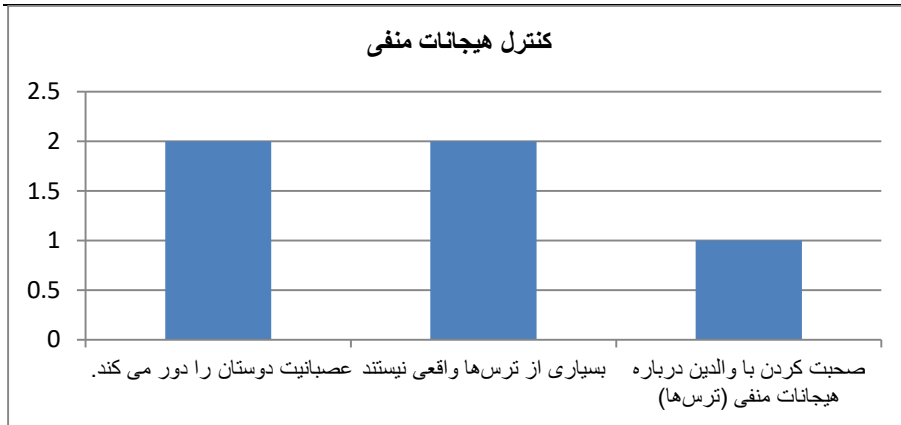
کودک با آموختن این مهارت می‌تواند هیجانات منفی خود را چون خشم، حسادت، نفرت، غم، ترس و... کنترل کند و اجازه ندهد این هیجانات رفتار او را مدیریت کنند. مدیریت هیجان مزایایی از جمله: سلامت ذهنی و عاطفی، کاهش آشفتگی، استرس و ناکامی، ثبات و پختگی هیجانی، عملکرد بهتر در نتیجه‌ی کنترل فشار هیجانی، تعامل بهتر با دیگران و زندگی اجتماعی رضایت‌بخش، خودتنظیمی، خودکارآمدی و رضایت از خود، توانمندی و آسایش و شادکامی دارد. در حقیقت، مهارت مدیریت هیجان کمک می‌کند تا هیجان‌های منفی شناسایی و کنترل شوند (رک. جزایری، ۱۳۹۹: ۱۵).

یکی از عواقب خشم و عصبانیت در دنیای واقعی، ازدست‌دادن تعادل و به‌هم‌ریختن اشیاء است. کسی که عصبانی می‌شود دوستانش را از دست می‌دهد و نظم زندگی‌اش به هم می‌ریزد. خشم در داستان‌های کودکان می‌تواند به مقتضای سنی آنان مطرح شود؛

همان‌گونه که در کتاب‌های پرخواننده در داستان‌های خشم قلمبه و گوسفندی که عصبانی بود، خیلی عصبانی دیده شد. شخصیت‌های کودک و گوسفند در این دو داستان عصبانی می‌شوند و کودک مخاطب، دنیای پس از عصبانیت آنان را می‌بیند. در این دنیا هیچ چیز دوست‌داشتنی نیست. گوسفند در اعماق زمین تنها می‌شود و کودک گرسنه می‌ماند و اتاق و اسباب‌بازی‌هایش به هم می‌ریزد، بدون اینکه خودش بخواد؛ اما اگر بخواد، می‌تواند خشمش را مدیریت کند؛ چنان‌که کودک در داستان خشم قلمبه خشمش را کوچک و کوچک‌تر می‌کند تا جایی که قدرت خشم از بین می‌رود و اوست که برخشمش تسلط دارد، نه خشم بر او.

ترس نیز یکی از هیجانات منفی است که در زمان غلبه بر انسان، قدرت تفکر منطقی را از او می‌گیرد. این هیجان، یکی از هیجانات رایج در کودکان است که در بیشتر مواقع، واقعی هم نیست. بعضی مواقع کودکان به دلیل نبود شناخت کافی و همچنین اطلاعات اندکی که از اشیاء، پدیده‌ها یا انسان‌های پیرامون خود دارند، بی‌دلیل می‌ترسند. می‌توان از طریق داستان، غیرمنطقی بودن این ترس‌ها را به صورت غیرمستقیم به کودکان نشان داد؛ چنان‌که در داستان‌های پرخواننده مطرح شده است. در داستان ماهی رنگین‌کمان و غار هیولای دریا، ماهی رنگین‌کمان و دوستش می‌فهمند، چیزی که از آن می‌ترسیدند بسیار دوست‌داشتنی و زیبا است. ماهی رنگین‌کمان و دوستش وقتی به ماهی پنج چشم که از آن می‌ترسیدند نزدیک می‌شوند، می‌فهمند که تصورات اشتباهی داشته‌اند (رک. فیستر، ۱۳۸۸: ۲۱).

کودک اگر ترس خودش را با والدین در میان بگذارد، آن‌ها می‌توانند برای از بین بردن ترس‌ها به او کمک کنند. در کتاب *بیا یاد بگیریم نترسیم* کودکان افزون‌بر اینکه یاد می‌گیرند که بی‌دلیل از چیزی که آسیبی به آن‌ها نمی‌زند، نترسند، می‌آموزند که فکرهای مربوط به ترس را درون خود پنهان نکنند و حتماً آن‌ها را با والدین خود در میان بگذارند. در داستان‌های بررسی شده کودک با عواقب خشم آشنا می‌شود و همراه با ماهی رنگین‌کمان می‌آموزد که خیلی از ترس‌ها واقعی نیستند. در حقیقت کودک با هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌های داستانی، رویدادها را تجربه می‌کند. نمودار زیر مؤلفه‌های موجود در داستان‌ها را نشان می‌دهد:



نمودار ۹: مؤلفه‌های کنترل هیجانات منفی

۲.۸ تفکر خلاق

کودک با آموختن مهارت تفکر خلاق می‌آموزد که می‌توان از عادت‌های معهود فاصله بگیرد و راه‌های تازه‌ای را تجربه کند. «تفکر خلاق یک مهارت سازنده و پایه‌ای برای رسیدن به سایر مهارت‌های مرتبط با سبک اندیشیدن است. در این مهارت افراد یاد می‌گیرند که به شیوه‌های متفاوت بیندیشند و از تجربه‌های متعارف و معمولی خویش فراروند و تبیین‌ها و یا راه‌حلی‌هایی را خلق نمایند که خاص خودشان است. تفکر خلاق فعالیت فکری است که به حل مشکلات و مسائل سخت می‌پردازد و برای مسائل حل نشده، راه‌حل‌های جدید کشف می‌کند» (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۳: ۳۲۴).

تفاوت تفکر خلاق و تفکر انتقادی در این است که تفکر خلاق به نوآوری و خلق ایده‌های جدید می‌انجامد، درحالی‌که تفکر انتقادی فرد را قادر می‌سازد تا ایده‌ها و راه‌حل‌های موجود را ارزیابی کرده و بهترین آن‌ها را انتخاب کند (رک. جزایری، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

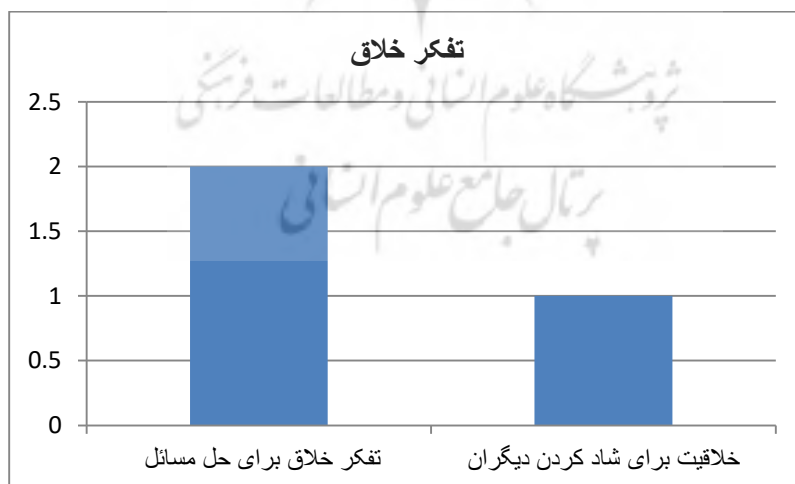
موش کوچولو، شخصیت داستان *گروفالو*، زمانی که با خطر روبه‌رو می‌شود، موجودی خیالی به نام *گروفالو* خلق می‌کند تا دشمنانش را بترساند. او زمانی که با *گروفالویی* که خودش خلق کرده بود مواجه می‌شود، موجود ترسناک دیگری را خلق می‌کند و *گروفالو* را فراری می‌دهد. در حقیقت موش کوچولو با تفکر خلاق، به حل مسئله پرداخته است. تفکر خلاق به حل مسئله و تصمیم‌گیری‌های مناسب کمک می‌کند و فرد را توانا می‌سازد

تا مسائل را ورای تجارب مستقیم خود دریابد و با سازگاری و انعطاف بیشتری به زندگی روزمره پردازد (رک. ادر، ۱۳۸۸: ۶۷).

در کتاب جادو در شهرسازی، استاد که از دانشش برای شادکردن بچه‌ها استفاده می‌کند، دستگاهی ساخته است که جاذبه زمین را بالای سر دستگاه درجه‌به‌درجه کمتر یا کاملاً بی‌اثر می‌کند. اگر استاد به هرکدام از وسایلیش ضربه کوچکی بزند آن‌ها هم در هوا معلق می‌شوند (رک. میرکیایی، ۱۳۸۲: ۴). در حقیقت استاد آنچه را می‌داند با قدرت خلاقیت خود می‌آمیزد تا بچه‌ها را شادتر کند.

در داستان شب بخیر خرس کوچولو، مادر خرس کوچولو او را برای خواب زمستانی آماده می‌کند؛ اما خرس کوچولو خیال خوابیدن ندارد. تا اینکه مادر با دید گلوله‌ی برفی که از کوه سرازیر شده است، فکری به ذهنش می‌رسد. او برای اینکه خرس کوچولو را بخواباند برای او از یک گلوله‌ی برف، ماه می‌سازد. شخصیت داستانی از تفکر خلاق برای حل مسئله استفاده کرده است.

در داستان‌های بررسی شده، بیشتر شخصیت‌های داستانی با تفکر خلاق خود به حل مسائل می‌پردازند. مؤلفه‌های موجود در داستان‌هایی که مهارت تفکر خلاق را به کودکان آموزش می‌دهند، در نمودار زیر دیده می‌شود:



نمودار ۱۰: مؤلفه‌های تفکر خلاق

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام‌شده بر کتاب‌های پرخواننده این نتیجه به دست آمد که می‌توان به انتخاب کودکان اعتماد کرد، زیرا کودکان نیز مانند بزرگسالان دوست دارند مطلبی را بخوانند که به ایشان نکته‌ای را آموزش دهد. در میان کتاب‌های پرخواننده ردپای ترجمه (پانزده اثر) بیشتر از کتب تألیفی (سیزده اثر) دیده می‌شود. نکته‌ی جالب توجه این بود که سه مهارت تفکر انتقادی، همدلی و مهارت‌های ارتباطی در میان کتاب ترجمه و تألیف بیشترین بسامد را داشتند.

مهارت تفکر انتقادی بیشترین بسامد را در میان داستان‌های پرخواننده داشت. این مهارت به دو شیوه در داستان‌ها مطرح شده بود. در بعضی از داستان‌ها شخصیت اصلی داستان به دلیل بهره‌مندی از تفکر نقاد، شخصیت پیروز داستان می‌شود و در برخی از داستان‌ها شخصیت اصلی یا فرعی داستان به دلیل فقدان این مهارت در داستان شکست می‌خورد و به دلیل قانع‌شدن کودکان با سرانجام خوش داستان، شخصیت از اشتباه خود آگاه می‌شود و داستان به خوشی به سرانجام می‌رسد.

در این داستان‌ها سه مؤلفه‌ی «اظهار نظر نکردن بدون تحقیق»، «زود اعتماد نکردن به دیگران» و «بررسی همه‌ی جوانب موضوع» به ترتیب بیشترین فراوانی را دارند.

دومین مهارت پربسامد در داستان‌های پرخواننده مهارت‌های ارتباطی بود. مهارت‌های ارتباطی به چند شیوه در کتاب‌ها مطرح شده بود و مؤلفه‌های توجه به نقاط مثبت دیگران برای برقراری ارتباط بهتر، مهارت دوست‌یابی، نقش همدلی با دیگران در روابط، خشم و عصبانیت روابط را تضعیف می‌کند و اعتماد به نفس دیده شد.

سومین مهارت پرتکرار در کتاب‌های برگزیده مهارت همدلی بود. این مهارت در جایگاه سوم به لحاظ فراوانی قرار دارد و در داستان‌های تو مادر منی؟، خدا حافظ راکون پیر، کلوچه‌های خدا، قلب مترسک، خوشحال باش مرغک من و خفاش دیوانه دیده می‌شود. در همه‌ی این آثار، همدلی و مهربانی یکی از شخصیت‌ها پایان خوش داستان را رقم می‌زند.

مؤلفه‌های مهربانی، توانایی درک مشکلات دیگران، شناختن نیازهای دیگران، شناختن ویژگی‌های دیگران و مانند دیگران به جهان نگرستن در داستان‌های بررسی شده دیده شد.

مهارت تصمیم‌گیری و حل مسئله به صورت برابر در داستان‌ها مطرح شده بود. در این داستان‌های شخصیت‌های داستانی با تصمیم خود پایان داستان را رقم می‌زنند. این شخصیت‌ها، شخصیت اصلی داستان هستند که با تصمیم‌های خود پایان خوشی را برای داستان به وجود می‌آورند. سه مؤلفه‌ی تصمیم برای ایجاد تغییر، تصمیم‌گیری خیرخواهانه و تصمیم به خطرکردن در کتاب‌ها دیده شد.

مهارت حل مسئله در داستان‌های قصه *الاغ و سنگ*، *این همه تلق و ملق*، *سگی که قارقار می‌کرد*، *چه بالون‌های باهوشی*، *گروفالو* و *شب‌بخیر خرس کوچولو* دیده می‌شود. در این داستان‌ها شخصیت یا یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، برای حل مسئله تمهیدی می‌اندیشند و این تمهید به گره‌گشایی و حل مسئله می‌انجامد. دو مؤلفه‌ی حل مسئله به کمک عقل و منطق و حل مسئله به کمک تفکر خلاق در داستان‌ها دیده شد. بیشتر شخصیت‌ها از عقل و منطق برای حل مسائشان استفاده می‌کردند.

سه مهارت خودآگاهی، کنترل هیجانات منفی و تفکر خلاق با کمترین بسامد در داستان‌ها، مطرح شده بود. در داستان *گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد خیلی بزرگ*، قصه *مارمولک سبز کوچولو* و *مرد جوان و خیاط حیل‌گر* مهارت خودآگاهی مطرح شده است. گوسفند و مارمولک اگر اعتماد به نفس کافی داشتند و خود را با دیگران مقایسه نمی‌کردند مشکلی نداشتند.

در داستان *زرد و صورتی* نیز این مهارت به گونه‌ی دیگری خود را نشان می‌دهد. در این داستان نویسنده به اهمیت خودشناسی تأکید می‌کند و اینکه خودشناسی در نهایت به خداشناسی منجر می‌شود. در کتاب‌های بررسی شده چهار مؤلفه‌ی رضایت از خود، مقایسه نکردن، اعتماد به نفس کاذب و خودشناسی که به خداشناسی منجر می‌شود، دیده شد.

مهارت کنترل هیجانات منفی در مرتبه‌ی بعدی بررسی شد. در کتاب‌های بررسی شده به دو هیجان خشم و ترس پرداخته شده بود. داستان خشم قلمبه و گوسفندی که عصبانی بود خیلی عصبانی؛ هیجان خشم را به تصویر می‌کشد و زشتی آن را در داستان به کودک نشان می‌دهد. کودک با خواندن این داستان‌ها می‌آموزد که خشم پایان خوبی ندارد و این واقعیت را تجربه می‌کند. داستان ماهی رنگین‌کمان و غار هیولای دریا و داستان بیا یاد بگیریم نترسیم، واقعی نبودن ترس را به کودک نشان می‌دهند و کودک می‌آموزد که بعضی هیجانات خود مانند ترس را با والدین خود در میان بگذارد.

تفکر خلاق هم در داستان‌های گروفالو، شب‌بخیر خرس کوچولو و جادو در شهر بازی مطرح شده بود. شخصیت‌های اصلی داستان گروفالو و شب‌بخیر خرس کوچولو برای مسئله‌ای که ناپایداری را در داستان به وجود آورده است، از تفکر خلاق استفاده می‌کنند. موش کوچولو برای اینکه خودش را از خطر نجات دهد یک موجود عجیب خلق می‌کند و شخصیت اصلی داستانی جادو در شهر بازی با دانش و خلاقیتی که دارد دستگاهی خلق می‌کند که می‌تواند کارهای زیبا و عجیب انجام دهد.

پس از مقایسه‌ی یافته‌های تحقیق با یافته‌های تحقیقات پیشین این نتیجه حاصل شد که همه‌ی مهارت‌های زندگی به شیوه‌های مختلف در کتاب‌های کودکان و نوجوانان مطرح می‌شود؛ با این تفاوت که به بعضی از مهارت‌ها فراوانی بیشتری دارند و به بعضی از مهارت‌ها کمتر توجه شده است.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که کودکان شایستگی انتخاب کتاب خود را دارند و اینکه باید در کتاب‌خانه‌ها کتاب‌های مناسب هم به لحاظ ادبی و همین‌طور کتاب‌هایی که می‌توانند تأثیرات آموزشی و تربیتی خوبی برای مخاطبان خود داشته باشند، در دسترس کودکان قرار گیرند و کتاب‌های مناسب برپایه‌ی ویژگی‌ها و نیازهای کودکان مخاطب به آنان معرفی و توصیه شود.

منابع

- ادر، جان. (۱۳۸۸). آموزش مهارت‌های تفکر خلاق، تصمیم‌گیری و استراتژی‌های حل مسئله، ترجمه‌ی ابوذر کرمی، تهران: لوح زرین.
- استیگ، ویلیام. (۱۳۸۸). زرد و صورتی. ترجمه‌ی کلر ژوبرت، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- امامی نایینی، نسرین. (۱۳۸۳). خودآگاهی. تهران: هنرآبی.
- امجدی، زهرا؛ پریخ، مهری. (۱۳۸۶). «داستان، همچون ابزاری برای کمک به کودکان و نوجوانان در مقابله با مشکلات، بررسی داستان‌های کودکان با رویکرد کتاب درمانی». پژوهش‌نامه ادبیات کودک و نوجوان، سال ۱۲، شماره‌ی ۱، پیاپی ۴۸، صص ۴۹-۶۸.
- اورال، بالواج. (۱۳۸۶). قلب مترسک. ترجمه‌ی محمدرضا مهرافزا، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پارساپور، زهرا؛ صدری‌زاده، نگین. (۱۳۹۲). «بررسی آموزش مهارت تفکر انتقادی در ادبیات داستانی کودک». کتاب ماه کودک و نوجوان، دوره‌ی ۱۶، شماره‌ی ۷، پیاپی ۱۹۲، صص ۵۹-۶۶.
- پیرفیروزجایی، فاطمه. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب‌های درسی فارسی دوره آموزش ابتدایی براساس مؤلفه‌های مهارت‌های زندگی. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا. تئوبالد، ژوزف. (۱۳۸۸). گوسفندی که می‌خواست بزرگ باشد خیلی بزرگ. ترجمه‌ی نورا حق‌پرست، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تی‌وود. جولیا. (۱۳۸۰). ارتباطات میان‌فردی. ترجمه‌ی مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب.
- جزایری، علی و همکاران. (۱۳۹۹). مجموعه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی، تهران: دانژه.
- جوانمردی، زهرا. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتب کودکان دوره پیش‌دبستانی از منظر مهارت‌های زندگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- خالصی، عباس؛ عالی‌خانی، سیامک. (۱۳۸۲). مدرسه مروج سلامت (مرجع علمی ویژه‌ی دبیران). تهران: وزارت آموزش و پرورش.

رضایی، حمید؛ نجفی‌بهزادی، سجاد. (۱۳۹۹). «بررسی تطبیقی مهارت‌های زندگی در رمان‌های (نوجوانان)». ایش کستنر و فرهاد حسن‌زاده، *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۱۱، شماره‌ی ۱، صص ۸۰-۱۰۶.

ژوبرت، کلر. (۱۳۸۵). *مارمولک سبز کوچولو*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۳). *ادبیات کودکان*. تهران: اطلاعات.

صدری‌زاده، نگین. (۱۳۹۰). *بررسی آموزش مهارت‌های زندگی در ادبیات داستانی کودک*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، پژوهشکده‌ی علوم انسانی.

عزیزپورشمعلو، امیرابوالفضل؛ شفق‌ولی‌زاده، شهاب. (۱۳۹۳). «بررسی اثربخشی فراشناخت و آموزش حل مسئله در بهبود تعلل‌ورزی و فرسودگی تحصیلی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل». *اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، انجمن علمی توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادی.

فرمهبنی‌فراهانی، محسن؛ پیداد، فاطمه. (۱۳۸۹). *مهارت‌های زندگی*. تهران: شباهنگ.

فیستر، مارکوس. (۱۳۸۸). *ماهی رنگین‌کمان و غار هیولای دریا*. ترجمه‌ی سیدمهدی شجاعی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

فیشر، رابرت. (۱۳۸۵). *آموزش و تفکر*. ترجمه‌ی فروغ کیان‌زاده، اهواز: رسش.

کریمی، مریم. (۱۳۹۰). *بررسی آموزش مهارت‌های زندگی در ادبیات داستانی کودک*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

کلهر، مژگان. (۱۳۹۴). *هی با من دوست می‌شوی؟*. ترجمه‌ی شقایق قندهاری، تصویرگر نداعظیمی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کلهر، فریبا. (۱۳۸۳). *سگی که قارقار می‌کرد*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

کوکبی، مرتضی و همکاران. (۱۳۸۹). «بررسی مهارت‌های تفکر انتقادی در داستان‌های کودکان و نوجوانان». *مطالعات ادبیات کودک*، سال ۱، شماره ۲، صص ۱۵۷-۱۹۳.

موسویان، انسیه. (۱۳۹۴). «بازتاب مهارت‌های زندگی در داستان‌های لاله جعفری». *پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۱۷، شماره ۳، پیاپی ۶۷، صص ۸۸-۹۸.

میرحسینی، زهره؛ قاسمی، مهدی. (۱۳۹۲). «بررسی تحلیل محتوای مهارت‌های زندگی در کتاب‌های داستانی کودکان ۴-۹ سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان طی سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۲». *دانش‌شناسی*، سال ۱۱، شماره ۱، صص ۱-۱۵.

میرکیایی، مهدی. (۱۳۸۲). *جادو در شهربازی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

نوری، ربابه. (۱۳۸۳). *مهارت‌های تفکر نقادانه و خلاق «ویژه‌ی دانش‌آموزان»*. تهران: طلوع‌دانش.

_____ (۱۳۸۳). *مهارت‌های خودآگاهی و همدلی*. تهران: طلوع‌دانش.

ویلیس، جین (۱۳۸۷). *خفاش دیوانه*. ترجمه‌ی معصومه انصاریان، تصویرگر تونی راس، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

هارتمن، باب (۱۳۹۳). *خوشحال باش مرغک من*. ترجمه‌ی اسماعیل حدادیان‌مقدم، تصویرگر مایک اسپور، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

Borba, M. (2008). *Building moral intelligence: The seven essential virtues that teach children to do the right thing*. USA: jossey – Bass

Gellis, Z.D. & Kenaley, B. (2008). "Problem-solving therapy for depression in adults: a systematic review". *Research on Social Work Practice*, 18(2):117-31.

Kruise, Carol Sue (1987). "Using Children's Literature in Critical Thinking Skills". *School Library Media Activities Monthly*, v4 n2 p27-29.

Lipman, M. (1988). "Critical Thinking: What can it be". *Educational Leadership*. Vol 46, No. 1. Sep. P. 38-43.

Paul, R. & Elder, L. (2005). *A Guide for educators to critical thinking competency standards: Standards, principles, performance indicators, and outcomes with a critical thinking master rubric*. Sonoma: Foundation for critical thinking.

- Smeltzer, S. Bare, B. Brunner, L. & Suddarth, D. (2005). *Text Book of Medical Surgical Nursing*. 10th Ed. Williams & Wilkins, Lippincott.
- Unicef (2003). *Global evaluation of life skills education programs*. Retrieved June 3, 2009 from www.unicef.org.

